

نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در دیوان کیفری بین المللی (Icc)

عبدالرضا منصوری دهبید،^۱ احمد رضانی^{۲*}، منصور عطاشنه^۳

چکیده:

وضع و تدوین قوانین و مقررات متعدد حقوق بشری همگی ناشی از شناخت و احترام به وجود کرامت ذاتی برای افراد می باشد. کرامت ذاتی انسان ایجاب می نماید که در فرآیند رسیدگی های کیفری الزاماتی در راستای حفظ و رعایت این شاخصه جهت حمایت از حقوق طرفین مخاصمه خصوصا متهمین پیش-بینی گردد. در این راستا رعایت حقوق شهروندی موجب گردیده است، نظارت قضایی بر عملکرد مقامات قضایی در فرآیند تعقیب و تحقیق بدین لحاظ که با حقوق اساسی افراد در ارتباط می باشند مورد توجه خاص واضعین دیوان قرار گیرد. دیوان کیفری بین المللی بر این مبنا که به مهمترین جرائم بین المللی رسیدگی نموده و مرتکبین اینگونه جرائم را مصون از تعقیب و مجازات باقی نگذارد، با اراده اکثریت کشورها تشکیل گردیده نکته حائز اهمیت در رسیدگی های دیوان حذف مقام بازپرس به عنوان مرجع تحقیق در مرحله تحقیقات مقدماتی می باشد که این امر نیز ناشی از احترام به حقوق طرفین دعوی خصوصا متهمین می باشد. دادستان پس از اطلاع از ارتکاب جرائم مشمول صلاحیت دیوان بر اساس مکانیسم پیش بینی شده در اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله، ضمن ارزیابی قضایای مزبور مبادرت به انجام تحقیق و در صورت اقناع تعقیب مرتکبین می نماید. لیکن اقدامات وی اعم از جمع آوری اطلاعات و ارزیابی آنها، احضار یا جلب متهمین یا استماع شهادت شهود و یا سایر ادله دیگر که در فرآیند رسیدگی لازم و ضروری می باشد آزادانه نمی باشد، بلکه منوط به اخذ مجوز از شعبه مقدماتی می باشد. پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به شعب بدوی نیز نظارت شعب بدوی در راستای رسیدگی به اتهامات انتسابی در مرحله مقدماتی و شعب استیناف نیز در راستای احکام صادره در مرحله بدوی استمرار دارد.

واژگان کلیدی: نظارت قضایی، تعقیب، دادستان، دیوان بین المللی کیفری.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

** استادیار دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ramezani@USC.ac.ir

*** استادیار دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

مقدمه

به لحاظ اینکه جنایات بین المللی اصولاً بصورت سازمان یافته و توسط اشخاصی ارتکاب می یابند که مناصب بالای حکومتی دارند، شروع به تعقیب در دادرسی های کیفری بین المللی، امری بسیار حساس است و چنانچه از ساز و کار های مناسب برخوردار نباشد چه بسا که به جای اعاده نظم از دست رفته بین المللی به مخدوش شدن هر چه بیشتر آن کمک نماید. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۷۷) لذا اساسنامه دیوان کیفری بین المللی سعی نموده که در فرآیند تعقیب و تحقیق از آیین دادرسی خاصی تبعیت نماید که ضمن احترام به وجود کرامت برای افراد تحت تعقیب و قربانیان، موجبات رسیدگی منصفانه و رعایت اصل تساوی سلاح ها را نیز در رسیدگی های خویش به نحو شایسته فراهم و اجرا نماید که این مهم نیز برگرفته از آیین دادرسی کشورهای پیشگام در این حوزه همانند ایتالیا و آلمان می باشد، که در قوانین خویش در راستای انجام تحقیقات مرجعی بی طرف را در مواردی که نقض حقوق افراد من جمله سلب یا محدودیت آزادی یا نقض حریم خصوصی آنها را ایجاب می نماید پیش بینی نموده اند. در دیوان کیفری بین المللی نیز دادستان فاقد استقلال در صدور دستورات و تصمیم گیری های خویش می باشد و تحت نظارت قضایی مرجعی دیگر که همان شعبه مقدماتی می باشد قرار دارد. در واقع شعبه مقدماتی به نحوی در راستای رعایت حقوق متهمین و احترام به آن و نیز جلوگیری از اعمال غرض ورزی دادستان و جلوگیری از خطای وی در تصمیم گیری های قضایی شکل گرفته است. دادستان دیوان در مراحل مختلف تحت نظارت شعبه مقدماتی می باشد و پیرامون مجوز شروع به تعقیب، مجوز انجام تحقیقات و بازداشت افراد مستقلاً فاقد اختیار بوده و به نحوی نقش وی در این خصوص را می توان نقشی پیشنهادی دانست. در واقع کار شعبه مقدماتی به نظارت بر عملکرد دادستان محدود است. در این مقاله به دنبال آن هستیم که ابتدا به بررسی ساختار دیوان اشاره داشته و سپس به نحوه تعقیب و تحقیق در جنایات بین المللی اشاره و فرآیند مزبور را مورد بررسی قرار دهیم و ضمن توصیف کامل وظایف و اختیارات دادستان و شعب مقدماتی، بدوی و استیناف در دیوان، نتیجه گیری نماییم که آیا وجود یک قاضی ناظر در مرحله تحقیقات مقدماتی همانند شعبه مقدماتی مناسب است یا خیر؟ مضافاً بر آنکه شعب بدوی و استیناف چگونه بر امر تعقیب و تحقیق تا زمان قطعیت احکام نظارت قضایی خویش را اعمال می نمایند.

۱. ساختار و تشکیلات دیوان بین المللی کیفری

ارکان دیوان را از لحاظ ساختاری می توان به دو رکن قضایی و اداری تفکیک و تقسیم نمود. ارکان قضایی دیوان بخش و قسمتی از تشکیلات دیوان می باشد که ماهیتی صرفاً قضایی دارا می

باشد. و ارکان غیرقضایی دیوان بخش‌ها و قسمت‌هایی از تشکیلات دیوان می‌باشد که ماهیتی غیرقضایی را داراست و امور اداری دیوان را عهده دار می‌باشد. ارکان قضایی دیوان عبارت است از: ۱. دادستانی، ۲. بخش تحقیقات مقدماتی، ۳. بخش بدوی، ۴. بخش استیناف یا تجدید نظر، ۵. هیات رئیسه.

ارکان غیر قضایی دیوان نیز شامل مجموعه کشورهای عضو و دبیرخانه دیوان می‌باشد.

۱-۱. بخش‌های قضایی دیوان (شعب دیوان)

بخش‌های قضایی دیوان کیفری بین‌المللی شامل؛ شعبه مقدماتی یا پیش‌محاکمه و شعبه بدوی و شعبه تجدیدنظر می‌گردد. شعبه مقدماتی انجام تحقیق و تعقیب و جلب و بازداشت متهم و تأیید اتهامات مورد نظر دادستان را بر عهده دارد. شعبه یا شعب بدوی وظیفه رسیدگی به اتهامات متهمان و صدور حکم و شعبه تجدیدنظر، پژوهش خواهی، استیناف و تجدیدنظر نسبت به احکام صادره را بر عهده دارد. در ادامه به بررسی هر یک از بخش‌های مذکور و حدود اختیارات و نظارت آنها بر فرآیند تعقیب و تحقیق در قضایای مورد بررسی در دیوان خواهیم پرداخت.

الف. هیئت رئیسه دیوان^۱: حوزه‌های اصلی مسئولیت هیئت رئیسه شامل حوزه‌های قضایی، قضایی و اداری و روابط با خارج از دیوان می‌باشد. هیئت رئیسه مرکب از یک رئیس و یک معاون اول و معاون دوم می‌باشد، که با اکثریت مطلق آراء ۱۸ قاضی دیوان برای مدت زمانی سه ساله انتخاب می‌گردند. انتخاب مجدد آنها برای یک مرتبه بلامانع می‌باشد. همه قضات به عنوان اعضای تمام وقت، در بخش‌های مختلف دیوان به خدمت می‌پردازند. در صورت عذر رئیس یا عدم صلاحیت وی (سلب شرایط قانونی) معاون اول جانشین وی می‌گردد و در صورت سلب شرایط قانونی یا عدم صلاحیت رئیس و معاون اول، معاون دوم جانشین رئیس خواهد شد.

ب. بخش مقدماتی^۲: انجام تحقیقات مقدماتی را می‌توان عمده فعالیت شعبه مقدماتی بیان داشت؛ بدین توضیح که از آغاز ارجاع قضیه‌ای به دیوان فعالیت شعبه مقدماتی شروع و تا تأیید اتهامات انتسابی و ارسال پرونده به شعبه بدوی استمرار می‌یابد؛ به طور خلاصه می‌توان اینگونه بیان داشت که شعبه مقدماتی نقش مرجع تحقیق در دادسرا را در حقوق داخلی ایفاء می‌نماید و نقش دادستان را نیز می‌توان تا حدودی به منزله ضابط در حقوق داخلی در نظر گرفت. چرا که نهاد مزبور هیچ‌گونه اختیاری در راستای صدور دستورات و یا قرارها ندارد و صرفاً بر اساس دستورات شعبه مقدماتی و زیر نظر آن انجام فعالیت می‌نماید. شعبه مقدماتی هدفش تسریع در رسیدگی و مراقبت از حقوق مظنونان و جنبه ویژه‌ای از عدالت است، بدیهی است که تاخیر می

1. the Presidency

2. the Pre-Trial Division

تواند بر آن تاثیرگذار باشد. (مرگالا میچرلا، ۲۰۰۶: پ ۱۸۸)

شعبه مقدماتی ضمن آنکه تمایم داری را در طول تحقیقات تضمین می کند، در راستای حمایت از حقوق مظنونین در مرحله تحقیق و حفظ منافع قربانیان و شهود به ویژه حمایت از امنیت جسمانی و روانی آنها و نیز رعایت شان و منزلت آنها نیز گام بر می دارد، به دنبال همکاری دولتها در جهت اتخاذ اقداماتی در راستای حمایت از منافع اطراف دعوا خصوصا قربانیان نهایی نیز می باشد.

شعبه مقدماتی مرکب از حداقل ۶ قاضی می باشد که بر اساس طبیعت و صلاحیت مربوطه به هر بخش و تجربه در این خصوص انتخاب می گردند، به نحوی که هر کدام از بخش ها به شکل مقتضی دارای اعضای باشند که صلاحیت تخصصی در حقوق و آیین دادرسی و حقوق بین الملل را دارا باشند. بخش مقدماتی اساسا مرکب از قضاتی خواهند بود که دارای تجربه در دادرسی کیفری باشند. وظایف شعبه مقدماتی توسط سه قاضی از بخش مقدماتی یا یک قاضی از همین بخش مطابق قواعد دادرسی و ادله دیوان انجام می پذیرد. مرحله تحقیقات مقدماتی را می توان به دو مرحله تقسیم نمود:

۱. تحقیقات مقدماتی قبل از صدور تایید اتهامات

۲. تحقیقات مقدماتی بعد از صدور تایید اتهامات

عملکرد شعبه مقدماتی در مرحله اول را میتوان عمدتا نظارتی بیان داشت، چرا که دادسرا و شخص دادستان اقدام به ارائه دلایل و مدارک دال بر تعقیب و یا عدم تعقیب شخص متهم و یا تقاضای دستوراتی در خصوص جمع آوری دلایل پیرامون تعقیب یا عدم تعقیب شخص متهم را از شعبه مقدماتی می نماید و شعبه مقدماتی نیز بر این اساس اقدام به صدور دستوراتی حول این محور می نماید. مرحله دوم را می توان مرحله تخصصی و اعمال و اجرای وظایف تخصصی دیوان، از حیث صلاحیت و وظایف آن دانست چرا که در این مرحله دیوان نسبت به صدور قرارهای نهایی و ارجاع پرونده به دادگاه بدوی اقدام می نماید.

فلسفه وجودی وضع و ایجاد شعبه مقدماتی در دیوان کیفری بین المللی، نظارت مرجع مزبور بر مرحله تعقیب و تحقیق توسط دادستان می باشد و دادستان می بایستی هرگونه اقدامی در راستای تعقیب و تحقیق را به اطلاع شعبه مقدماتی رسانده و در صورت موافقت شعبه مذکور، مجاز به اقدام به تعقیب و تحقیق می باشد. در واقع شعبه مقدماتی تا حد زیادی اثربخشی و استقلال دادستان را ترسیم می کند. مطابق اساسنامه دیوان و آیین دادرسی و ادله آن وظایف شعبه مقدماتی را می توان موارد زیر بیان داشت:

۱. در صورت تشخیص دادستان مبنی بر عدم وجود دلایل قانع کننده پیرامون عدم رسیدگی موضوع که این تشخیص نیز صرفاً در راستای عدم اجرای عدالت می باشد تصمیم مزبور می بایستی به اطلاع شعبه مقدماتی برسد. (قسمت ج بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
۲. در صورت تشخیص دادستان مبنی بر عدم رسیدگی موضوع، شعبه مقدماتی می تواند تصمیم اتخاذ شده از ناحیه دادستان راجع به عدم پیگیری موضوع را مورد بررسی قرار داده و از دادستان بخواهد در تصمیم خود بازنگری نماید. (بند ۴ ماده ۵۳ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
۳. در صورت تقاضای دادستان، شعبه مقدماتی، دستورات و قرارهایی را که برای تحقیق لازم می باشد صادر می نماید. (قسمت الف بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
۴. پس از ملاحظه نظریات کشورهای ذینفع در موارد خاص و به جهت فقدان مراجع مسئول و یا فقدان هیئت حاکمه قضایی صلاحیت دار و اینکه کشوری قادر به اجابت درخواست همکاری موضوع بخش نهم اساسنامه نباشد، مرجع مذکور می تواند مجوزی به دادستانی اعطاء نماید تا در محدوده بخش مذکور، تحقیقات خاصی را در قلمرو یک کشور عضو و بدون جلب همکاری آن کشور انجام دهد. (قسمت د بند ۳ ماده ۷۳ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
۵. پس از وجود و ارائه دلایل کافی دال بر انتساب بزه به شخص متهم و درخواست تعقیب توسط دادستان، شعبه مقدماتی با بررسی درخواست دادستان و دلایل و اطلاعات ارائه شده با وجود شرایط متعاقد کننده ای اقدام به صدور دستور بازداشت می نماید. (بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
۶. اصلاح دستور بازداشت از حیث کاهش یا افزایش جرائم و تخفیف یا تشدید قرار بنابر تقاضای دادستان و در صورت وجود قرائن کافی و متعاقد شدن شعبه مقدماتی بر عهده شعبه مقدماتی می باشد. (بند ۶ ماده ۵۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
۷. احضار شخص متهم بنابر تقاضا و درخواست دادستان و در صورت متعاقد شدن شعبه مقدماتی با وجود قرائن کافی دال بر انتساب بزه به شخص متهم از دیگر وظایف شعبه مقدماتی باشد. (بند ۷ ماده ۵۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی)
- ج. دادسرا: نهاد یا اداره دادستانی یکی از چهار نهاد دادگاه بین المللی کیفری است. این نهاد توسط دادستان اداره و سرپرستی می شود که توسط مجلس کشورهای عضو انتخاب می گردد. دادسرا به عنوان رکن مستقلی از دیوان در انجام وظایف و عملکرد خویش مستقل عمل می نماید. این اداره متصدی دریافت اطلاعات مربوط به جرائمی است که در صلاحیت دیوان می باشد. همچنین وظیفه بررسی اطلاعات مذکور، هدایت در امر تحقیق و دفاع از کیفرخواست در مقابل دادگاه بر عهده دادسرا می باشد. اداره امور دادستانی بر عهده دادستان می باشد که برای اداره امور

دادستانی دارای اختیارات کامل است. دادستان با رای اکثریت مطلق دولت‌های عضو انتخاب خواهد شد. معاونان دادستان نیز به همین ترتیب بر اساس فهرستی که از سوی دادستان ارائه خواهد شد انتخاب می‌شوند. برای هر پست خالی معاونت دادستانی، دادستان سه نفر داوطلب معرفی خواهد کرد. دادستان و معاونان دادستان، وظایفشان را برای مدت ۹ سال انجام خواهند داد، به عبارت دیگر دادستان و معاونان وی با رای اکثریت مطلق مجمع دولت‌های عضو برای مدت ۹ سال انتخاب می‌گردند. که در این مدت متصدی امور محول می‌باشند. از لحاظ صفات و شرایط اخلاقی در راستای بر عهده گرفتن پست‌های مزبور می‌بایستی واجد سجایای عالی اخلاقی و صلاحیت کافی و تجربه عملی قابل توجهی در تعقیب امور کیفری یا محاکمات جزایی داشته باشند. ضمن آنکه می‌بایستی شناخت عالی و تسلط عملی بر حداقل یکی از زبان‌های کاری دیوان داشته باشند. دادستان و معاونان دادستان، می‌بایستی از اتباع کشورهای مختلف باشند و به طور تمام وقت نیز انجام وظیفه خواهند نمود. دادستان و معاونان وی می‌بایستی از اشتغال به هر شغلی که ممکن است با وظایف آنها در امر تعقیب متهمین ناسازگار باشد، یا موجب تردید در استقلال آنها بشود خودداری نمایند. آنان می‌بایستی از اشتغال حرفه‌ای به هر شغل دیگری امتناع نمایند. هیئت رئیسه می‌تواند دادستان یا معاون وی را حسب درخواست آنها از رسیدگی به پرونده معینی معاف نمایند. (ماده ۴۲ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی) در نظام قضایی ایران نیز، و به موجب ماده ۱۷ نظارت بر رفتار قضات، قضات دادگستری از اشتغال به فعالیت‌های دیگر منع گردیده‌اند. بند ۲ ماده مزبور بیان می‌دارد: «مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شوند: اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم (۱۴۱) قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده (۱) قانون تجارت». بنابراین قضات شاغل در نظام قضایی ایران همانند دیوان کیفری بین المللی از اشتغال به هر گونه فعالیت دیگر منع گردیده‌اند و عدم توجه به آن موجبات مجازات متخلف را فراهم خواهد آورد. مجموعه اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱. وظایف قضایی

۲. وظایف اداری

به عمده حدود اختیارات قضایی دادستان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. شروع به انجام تحقیقات بر مبنای اطلاعاتی که در مورد یک جرم مشمول صلاحیت دادگاه به دادستان رسیده است.

ب. بررسی وضعیت‌هایی که ارتکاب یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دادگاه در آنها

، توسط دولت عضو شورای امنیت به دادگاه ارجاع شده است.

پ. انجام تحقیقات به وسیله بازجویی از اشخاص مظنون و قربانیان یا شهود، جمع‌آوری و بررسی مدارک و انجام تحقیقات در قلمرو یک دولت

ت. تجدید نظرخواهی در مورد رأی برانت یا میزان مجازات تعیین شده از سوی شعبه بدوی و پاسخگویی به تجدید نظرخواهی شخص محکوم علیه و دفاع از دعاوی در دادگاه
ث. انجام سایر اقدامات لازم

ج. انجام اقدامات لازم برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات و حمایت از شهود (میرعباسی، ۱۳۹۴: ۷۳)

بنابراین دادستان ممکن است با وجود یکی از سه شرایط زیر تحقیقات را آغاز نماید. چون ماهیت مأموریت اداره دادستانی این است که تحقیقات و تعقیب جرایمی را که در اختیار دادگاه قرار دارند، یعنی جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، را انجام دهد. ضمن آنکه از لحاظ زمانی، در یک برهه دیگر و زمانی که دولتها موافق تعریف جنایات تجاوزکارانه باشند، اداره دادستانی قادر خواهد بود این جنایات را نیز تعقیب نماید. هنگامی که یک وضعیت توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به وی ارجاع شود، که اقدام مزبور تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی باشد، یا زمانی که دادگاه مقدماتی (شعبه مقدماتی) او را مجاز به بازجویی بر اساس اطلاعات دریافت شده از منابع دیگر، مانند افراد یا سازمان‌های غیر دولتی نموده باشد. دادستان در هر یک از موارد فوق، بررسی اولیه پیرامون اطلاعات دریافتی را انجام می‌دهد و اگر یک مبنای معقول و منطقی برای ادامه تحقیق کشف نمود، وی از دادگاه مقدماتی (پیش دادگستری) درخواست اجازه تحقیق را می‌نماید.

د) شعبه بدوی^۱: یکی از ارکان قضائی دیوان، بخش (شعب) بدوی می‌باشد. بخش دادگاه بدوی از حداقل ۶ قاضی تشکیل می‌شود که اختصاص قضات به این بخش‌ها بر اساس طبیعت وظایف و صلاحیت‌ها و تجربه قضات انجام می‌گیرد، به نحوی که هر کدام از بخش‌ها به شکل مقتضی دارای اعضای باشند، که صلاحیت‌های تخصصی در حقوق و دادرسی کیفری و حقوق بین‌المللی داشته باشند. ضمن آنکه اساساً بخش مقدماتی و بخش دادگاه بدوی اساساً مرکب از قضاتی خواهند بود که دارای تجربه در دادرسی کیفری باشند. وظایف شعب بدوی توسط سه قاضی از بخش بدوی انجام خواهد گرفت. قضات بخش بدوی برای مدت سه سال انتخاب می‌گردند. چنانچه پس از انقضای این مدت پرونده‌هایی نزد آنها مطرح باشد که منجر به اخذ تصمیم نشده باشد تا اتخاذ تصمیم در سمت خود باقی خواهند ماند. (بند ۳ ماده ۳۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) بنا به تشخیص هیئت رئیسه، چنانچه اقتضا نماید و نظر به اینکه قاضی ای

در مرحله مقدماتی پرونده ای شرکت نکرده باشد، قضات بخش بدوی به طور موقت می توانند در بخش مقدماتی و یا قضات بخش مقدماتی می توانند به طور موقت در بخش بدوی انجام وظیفه نمایند. بنابراین جابه جایی از شعبه مقدماتی به شعبه بدوی و بالعکس مانعی ندارد. در نظام قضایی ایران پیرامون جابه جایی قضات جهت رسیدگی به پرونده های کیفری و تجویز چنین اختیاری هیچ متن قانونی مصوب نگردیده است. بنابراین قضات بایستی در محل خدمت خویش و شعبه ای که ابلاغ برای وی توسط رئیس قوه قضائیه صادر گردیده است انجام وظیفه نمایند. قضات در انجام وظیفه دارای استقلال کامل بوده ولی در عین حال نمی توانند به فعالیتی بپردازند که با وظایف آنها ناسازگار باشد و یا استقلال آنها را مورد تردید قرار بدهد. قضاتی که به طور تمام وقت در دیوان انجام وظیفه می نمایند، نباید به هیچ فعالیت حرفه ای دیگری اشتغال داشته باشند. محل برگزاری جلسات دادگاه، شهر لاهه، مقر دیوان بین المللی کیفری می باشد، که اصولاً جلسات به صورت علنی برگزار می گردد. ولی در برخی موارد به منظور حفاظت از اطلاعات حساس و محرمانه ای که به عنوان دلیل قرار است ارائه گردد این اجازه به شعبه بدوی داده شده است که جلسات دادرسی را به صورت غیر علنی برگزار نماید. در این راستا بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه مقرر می دارد: «به عنوان استثنایی بر اصل علنی بودن جلسات دادرسی که در ماده ۶۷ مقرر گردیده و به منظور حمایت از قربانیان و شهود و یا متهم، می توان هر مرحله ای از مراحل دادرسی را به صورت غیر علنی برگزار نمود و یا اجازه داد که ارائه ادله از طریق وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل خاص صورت گیرد. چنین ترتیباتی به ویژه در مورد قربانیان جرم تجاوز جنسی، و طفلی که قربانی جرم تجاوز یا شاهد آن بوده انجام می پذیرد. مگر آنکه دیوان با لحاظ کلیه جوانب امر خصوصاً نظرات قربانی یا شاهد ترتیب دیگری را مقرر دارد».

متهم حتی در مواردی که محاکمه به صورت غیر علنی برگزار می گردد می بایستی در محکمه حضور داشته باشد. اصل ۱۶۵ قانون اساسی ایران نیز در خصوص جلسات رسیدگی بیان می دارد: «محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

ماده ۳۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری که ناظر بر اصل ۱۶۵ قانون اساسی می باشد نیز بیان داشته: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیر علنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند:

الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب - علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.
بنابراین در نظام کیفری ایران همانند دیوان کیفری بین المللی، اصل بر علنی بودن جلسات رسیدگی می باشد. مگر مواردی را که قانونگذار احصاء و استثناء نموده است. با این تفاوت که در نظام داخلی، دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان مبنی بر غیرعلنی بودن جلسه رسیدگی، مبادرت به این امر می نماید.

در شروع محاکمه و رسیدگی، متهم بایستی از اتهاماتی که سابقاً توسط شعبه مقدماتی احراز شده است مطلع گردد. بدین منظور که شعبه بدوی می بایستی متقاعد شود که متهم ماهیت اتهامات را درک کرده است. همچنین از متهم سوال خواهد نمود آیا به مجرمیت خود اعتراف می نماید یا آن را انکار می نماید. پیرامون دلایل و ادله ابرازی دادگاه بین المللی کیفری هرگونه ادله ضروری و مربوط به موضوع را اجازه داده است. در نظام کیفری داخلی نیز زمانی اقرار به عنوان دلیل قابل استناد می باشد که طریقت داشته باشد، بدین معنا که منطبق با واقع باشد. ماده ۱۷۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ در این خصوص بیان می دارد: «هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی رسد، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد که در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام میدهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رای ذکر می کند». ضمن آنکه ماده ۱۶۸ قانون مزبور بیان می دارد: «اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد». در ادامه ماده ۱۶۹ بیان داشته: «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید». بنابر مواد مذکور اقرار در نظام کیفری ایران طریقت داشته و در صورت هرگونه شک یا تردید نسبت به اقرار صورت پذیرفته، قاضی مکلف به انجام تحقیقات و اقناع وجدانی می باشد. در فرآیند رسیدگی در دیوان متهم این حق را دارد که از شهودی که علیه وی معرفی شده اند، سوالاتی را نماید و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی داشته اند، می تواند شهود خود را در جلسه حاضر کند. (ماده ۶۷ قواعد دادرسی و ادله) شهادت شهود بایستی همراه با یک تعهد باشد و آن عبارت است از من رسماً اعلام می نمایم که من حقیقت را تمام حقیقت را بیان می کنم و هیچ چیزی جز حقیقت را نمی گویم. (ماده ۶۹ قواعد دادرسی و ادله) ضمن آنکه شهادت اعلامی نیز بایستی در نزد دیوان صورت پذیرد. (ماده ۶۶ قواعد دادرسی و ادله) در حقوق داخلی نیز چنین تشریفات برای شاهد جهت ادای شهادت پیش بینی گردیده است، بدین نحو که ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی کیفری بیان می دارد: «شاهد و مطلع پیش از اظهار اطلاعات خود به این شرح سوگند یاد می کند: «به خداوند متعال سوگند یاد می کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم». قضات شعبه بدوی پس از بررسی دلایل و مدارک و استماع اظهارات متهم می بایستی رای خود را

با اکثریت سه قاضی حاضر صادر نماید، هر چند که اساسنامه اتفاق آراء را تشویق می کند. اساسنامه دیوان، شعبه بدوی را ملزم به ارائه دلایلی که شامل بیانی کامل و مستدل از استنباط قضات راجع به ادله و نتایج آن ها می باشد می نماید. البته تمام قضات شعبه بدوی بایستی در کلیه مراحل دادرسی و در طول مشاوره ها حضور داشته باشند.

ها) بخش تجدیدنظر^۱: آراء صادره از شعب بدوی دیوان قابل اعتراض و رسیدگی مجدد می باشد. پیش بینی اینگونه مکانیسم های نظارتی توسط مرجع عالی بر تالی مانع از صدور اقدامات نامناسب و نیز رفع خطاهای احتمالی می گردد. مرجع صالح جهت رسیدگی به استیناف، بخش تجدیدنظر می باشد. بخش تجدیدنظر از یک رئیس و چهار قاضی تشکیل خواهد شد که اختصاص قضات به این بخش ها بر اساس طبیعت وظایف و صلاحیت ها و تجربه قضات انتخابی انجام می گیرد به نحوی که هر کدام از بخش ها به شکل مقتضی دارای اعضای باشند که صلاحیت تخصصی در حقوق و آیین دادرسی کیفری و حقوق بین الملل داشته باشند. شعبه تجدیدنظر مرکب از همه قضات بخش تجدیدنظر می باشد. ضمن آنکه قضات تجدیدنظر برای تمام دوره مأموریت خود در آن بخش خدمت خواهند نمود. و این خدمت منحصر به بخش تجدیدنظر می باشد. و این امر نیز می بایستی در کمال استقلال صورت پذیرد. قضات تجدیدنظر نمی توانند به فعالیت هایی پردازند که به باوظایف آنها ناسازگار بوده و یا استقلال آنها را مورد تهدید قرار دهد. همچنین بایستی به هیچ فعالیت حرفه ای دیگری اشتغال داشته باشند. در اساسنامه دیوان این حق برای دادستان و محکوم علیه و نیز دادستان، به قائم مقامی محکوم علیه به رسمیت شناخته شده است تا نسبت به تصمیماتی که شعبه بدوی دیوان مستند به ماده ۷۴ اساسنامه اتخاذ نموده است تجدیدنظرخواهی نمایند. دادستان می تواند از حکم براءت صادره به دلیل اشتباه شکلی، اشتباه موضوعی یا اشتباه حکمی تقاضای تجدیدنظر نماید. ضمن آنکه محکوم علیه نیز می تواند از یک حکم محکومیت صادره به دلیل اشتباه شکلی، اشتباه موضوعی و یا اشتباه حکمی و یا به هر جهت دیگری که در منصفانه بودن و یا اعتبار مراحل رسیدگی و یا تصمیم متخذه موثر باشد، تقاضای تجدیدنظر نماید. ضمناً این حق برای دادستان و محکوم علیه به رسمیت شناخته شده است که در صورت عدم تناسب جرم و مجازات بتوانند، نسبت به میزان مجازات تعیین شده نیز تجدیدنظرخواهی نمایند. علاوه بر احکام نهایی شعبه بدوی، راجع به مسئله مجرمیت یا بی گناهی و همچنین مجازات، تجدیدنظرخواهی در مورد دستورات خاص و قرارهای اعدادی نیز که در جریان تحقیقات تصمیم گیری شده اند نیز، در بعضی موارد اجازه داده شده است. (شبت، ۱۳۸۴:

1 . the Appeals Division.

۱۹۵) بنابراین دادگاه تجدیدنظر در راستای عدم رعایت حداقل مجازات مقرر قانونی و اعتراض نسبت به آن، نظارت بر رعایت اعمال مجازات مقرر قانونی دارد. مادامی که رسیدگی تجدیدنظر خاتمه نیافته است، محکوم علیه همچنان در توقیف باقی خواهد ماند. با این حال، اگر تجدیدنظر خواه در جریان استیناف، بازداشت باشد و در طی همین مدت کل مجازات مقرر را سپری نموده باشد، می بایستی آزاد گردد. همچنین در صورت تبرئه فرد در شعبه بدوی، بایستی فوراً آزاد گردد. مگر در موارد استثنایی که رسیدگی خاتمه نیافته باشد. شعبه بدوی می تواند بنابر تقاضای دادستان و با لحاظ جمیع جهات از جمله احتمال قبولی استیناف خواهی دادستان، محکوم علیه بدوی را همچنان در بازداشتگاه نگه دارد. شعبه تجدیدنظر اگر به این نتیجه برسد مجازات تعیین شده باجرم ارتكابی متناسب نمی باشد مخیر است مجازات مذکور را مطابق با فصل هفتم اساسنامه تغییر دهد. رای تجدیدنظر همانند رای مربوط به حکم محکومیت و مجازات توسط اکثریت قضاات به عمل می آید.

۲. بخش های غیر قضایی دیوان

بخش های غیر قضایی دیوان که در تصمیم گیری های قضایی دخالتی نداشته و تمرکز فعالیت آنها امور غیر قضایی یا اداری دیوان می باشد شامل مجمع دول عضو و دبیرخانه می باشد که در ذیل به بررسی هر یک از بخشهای مزبور و صلاحیت آنها خواهیم پرداخت.

الف. مجمع دول عضو^۱: مجمع دول عضو دیوان کیفری بین المللی از چهار مجرای عمده بر فعالیت ها و جهت گیری های رکن قضایی دیوان تاثیر می گذارد. این مجاری عبارتند از:

۱. تقنین: مجمع دول عضو دیوان به مثابه یک نهاد تقنینی و هنجارساز ایفای وظیفه می نماید. مجمع دول عضو واجد اختیار در اصلاح نظام حقوقی و الحاق مواردی به متون حقوقی دیوان است. رکن قضایی دیوان نیز ملزم به فعالیت در چارچوب حقوقی از پیش تعیین شده برای خود می باشد. دیوان کیفری بین المللی یک سازمان بین المللی و معاهده محور است. کارکردهای دیوان محدود به چارچوبی می باشد، که اراده موسسان دولتی آن را مرزگذاری نموده است. این اراده که در اساسنامه رم تجلی پیدا کرده است، در گذر زمان و از رهگذر تصمیمات مجمع دول عضو می تواند بنابر مقتضیات زمان متجلی گردد تا کارآمدی دیوان نیز حفظ شود. این اراده که در قالب قانون ظهور پیدامی کند می تواند در مواردی در تعارض با تفسیر هایی باشد که از ناحیه رکن قضایی صادر می شود. نمونه ای از این موارد در وضعیت کنیا به وقوع پیوست. سران دولتی کنیا که نزد دیوان به اتهام ارتكاب جرایم علیه بشریت تحت تعقیب و تحقیق بودند از دیوان درخواست نمودند تا از حضور در جلسات دادرسی معاف گردند تا بتوانند به وظایف حکومتی

خود بپردازند. رکن قضایی دیوان و شعب آن با دیده انکار در این درخواست نگرستند. با این حال دولت کنیا موفق شد در اجلاس سال ۲۰۱۳ مجمع دول عضو با پیشنهاد اصلاح آیین دادرسی و ادله دیوان، خواسته های خود را عملی نماید و معاف سازی متهمان دیوان از حضور مستمر در جلسات دادرسی را نه تنها ممکن بلکه با حصول شرایطش الزامی ساخت.

۲. تامین بودجه: بودجه دیوان که به طور عمده از محل پرداختی های دول عضو تامین می گردد توسط مجمع دول عضو تعیین می گردد. بنابراین نبض حیات فعالیت های رکن قضایی دیوان در دستان دول های عضو و بودجه ای است که برای دیوان در نظر می گیرند. بدیهی است توانمندی مالی دیوان در گزینشگری دیوان نسبت به وضعیت های بحرانی جهت مداخله تاثیر مستقیم دارد. تحقق عدالت کیفری در عرصه بین الملل فرآیندی پر هزینه و هزینه زاست.

۳. انتخاب قاضی: انتخاب دادرسان و دادستان دیوان توسط مجمع دول عضو صورت می پذیرد. دیوان کیفری بین المللی به عنوان یک نهاد دائمی به طور عمده در بستر تفسیر قضایی رشد و نمو می یابد. نه تنها نزدیک بودن نظام حقوقی دیوان به سنت حقوقی نظام ترافیکی کامن لا بر منزلت والای تفسیر قضایی در هندسه دیوان تاثیر دارد، بلکه دائمی بودن دیوان نیز دلیل دیگری است که موجب می شود پویایی دیوان در کنار پایایی آن از رهگذر تفسیر قضایی تامین شود. همین اهمیت تفسیر قضایی است که انتخاب قاضیان را نیز دارای اهمیت می سازد. هر قاضی دارای منظری است و تفاوت منظرها، تفاوت مناظر دیوان را سبب می شوند. مجمع دول عضو با انتخاب قاضیان متفاوت می تواند خط مش و فعالیت های رکن قضایی را جهت دهی کند.

۴. تضمین همکاری دولتها: دیوان فاقد نیروی اجرایی است و اجرا شدن آرا و دستورات صادره از ناحیه آن نیازمند همکاری دولتها می باشد. بدون همکاری دولتها، دیوان در رسیدن به اهداف خود که تعقیب و محاکمه جرائم شدید بین المللی می باشد دچار مشکل می گردد. دولتها های عضو، بنابر اساسنامه رم متعهد به همکاری با دیوان هستند. در صورت عدم اجرای تعهدات معاهده ای، رکن قضایی دیوان تنها می تواند این عدم همکاری را تشخیص و آن را به مجمع دول عضو گزارش کند. چگونگی مواجهه با دولت متخلف که تن به همکاری با دیوان نداده است در صلاحدید مجمع دول عضو است. فقدان همکاری دولتها در تاریخچه دیوان مواردی را موجب شده است که دادستان دیوان را مجبور به معلق کردن (وضعیت سودان) یا بازپس گیری پرونده (وضعیت کنیا) نموده است. اصل مکمل دولتها را به اجرای صلاحیت جهانی در مورد جرائم تشویق می کند.

با انجام این کار و تحقیق و پیگرد قانونی متهمین، دولت ها بیان می کنند که آنها نسبت به دیوان در رسیدگی به این جرائم در اولویت می باشند. در غیر این صورت، اصل مکمل در بها را

برای صلاحیت دیوان می‌گشاید (آنا اولسون^۱، ۲۰۰۳: ۴)

ب. دبیرخانه^۲: دبیرخانه علاوه بر ارائه کامل حمایت اداری از فعالیت‌های دادگاه در مقر دیوان در شهر لاهه در کشور هلند، دارای مسئولیت‌های خاص در زمینه‌های خاص از اختیارات دادگاه نیز برخوردار می‌باشد. در حوزه حقوق متهمین، دبیرخانه از طریق اداره برنامه کمک قانونی برای متهمان و ارائه اشکال مختلف کمک به انتخاب وکیل مدافع، حقوق متهمان را تضمین می‌نماید. مضاف بر اینکه دبیرخانه یک واحد مشاوره برای قربانیان تدارک می‌نماید. همچنین دفاع و حمایت از شاهدان و قربانیان بر عهده دبیرخانه می‌باشد. دبیرخانه با انجام حصول اطمینان از اینکه جوامع آسیب‌دیده در موقعیت‌های مورد بررسی یا تحت رسیدگی می‌تواند فعالیت‌های مختلف دادگاه را در مراحل مختلف پیگیری نمایند بر آن نظارت می‌نماید. دبیرخانه همچنین مسئولیت مدیریت و هماهنگی بازداشت تمام کسانی که تحت مجوز دیوان بازداشت شده‌اند را دارا می‌باشد. بنابراین انجام امور غیرقضایی دادگاه بر عهده دبیرخانه می‌باشد، که تحت نظر رئیس دبیرخانه و عنداللزوم یک نفر معاون قرار دارد. رئیس دبیرخانه خود تحت نظر رئیس دادگاه انجام وظیفه می‌نماید و با رای مخفی اکثریت مطلق قضات با در نظر گرفتن توصیه‌های مجمع دول عضو برای مدت ۵ سال انتخاب می‌گردد و انتخاب مجدد وی تنها برای یک دوره دیگر میسر می‌باشد. دبیرخانه که مجرای ارتباط دادگاه با دولت‌ها است، اهم وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱. دریافت تاییده قبول صلاحیت دادگاه از سوی دول غیر عضو در مواردی که چنین تاییده‌ای لازم باشد.

۲. توزیع پیشنهاد هیئت رئیسه بین دولت‌ها در مورد افزایش تعداد قضات

۳. پیشنهاد مقررات اداری به مجمع دول عضو جهت تصویب در مورد شرایط انتخاب، پرداخت حقوق و عزل کارکنان دادگاه. این پیشنهاد با موافقت رئیس دادگاه و دادستان ارائه خواهد شد.

۴. تشکیل واحد قربانیان و شهود، از سوی رئیس دبیرخانه برای این که با همکاری دادستان اقدامات حمایتی، امنیتی و مشاوره‌ای و سایر مساعدت‌های لازم نسبت به شهود و قربانیانی که در برابر دادگاه حاضر می‌شوند و کسان دیگری که به دلیل شهادت این شهود به مخاطره می‌افتد معمول دارند. این واحد بایستی متشکل از کسانی که در زمینه صدمات روحی من جمله صدمات ناشی از خشونت جنسی، تخصص دارند باشد. (بازوند، ۱۳۹۶: ۴۰)

۵. انتخاب کارکنان شایسته برای دبیرخانه

۱. AnnaOlsson

2. Registry

۳. نحوه تعقیب دعوی کیفری بین المللی

ماده ۱۳ اساسنامه در مورد شروع به تعقیب و تحقیق وضعیتی را که در آن به نظر می رسد یک یا چند جنایت بین المللی ارتکاب یافته است، سه فرض ارجاع توسط کشورهای عضو، ارجاع توسط شورای امنیت و ابتکار دادستان را در نظر گرفته است.

۳-۱. جایگاه دادستان دیوان

واضح است، آنچه بسیاری از مخالفان دیوان از آن هراس دارند، وجود دادستانی است که به دلایل سیاسی صرفا مبادرت به شروع به تحقیقات و انجام محاکمه نماید. این نگرانی با توجه به وجود نظارت قضایی که دقیقا در اساسنامه رم پیش بینی گردیده، قابل رفع می باشد، چرا که دادستان در تحت نظر شعبه مقدماتی ایفای نقش می نماید. مضافا بر آنکه هر شخصی که وظیفه دادرسی در دیوان را برعهده بگیرد، مطمئنا با دیدگاه سیاسی خویش در مورد جهان و نیز در گیربهای آن همراه خواهد بود و فشارهای سیاسی خارجی ممکن است در تلاش باشند تا ادعایی را مطرح کنند که ممکن است غیرموجه و غیرمفید باشد. (لاورا بارنت^۱، ۲۰۱۳: ۱۶) عمده دادرسی های کیفری بین المللی، از تفکیک مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله رسیدگی که خود از مختصات و ویژگی های نظام حقوقی نوشته است بهره جسته اند. در دیوان کیفری بین المللی بنا به اقتضای نهاد دادستانی ضمن اینکه وظایف تعقیب به دادستان دیوان واگذار گردیده، وظیفه تحقیق نیز به وی محول گردیده است، با این تفاوت که در سیستم های دارای بازپرس تحقیقات توسط بازپرسی صورت می پذیرد که در انجام اعمال خویش دارای استقلال می باشد و نیاز به کسب مجوز در راستای اخذ تصمیمات و دستورات خویش از مرجعی دیگرراندارد، درحالی که دادستان دیوان توامان دارای شان تعقیبی و شان تحقیقی می باشد با این تفاوت که تمام اقدامات و دستورات و تصمیمات وی بایستی به تایید شعبه مقدماتی برسد تا جنبه اجرایی یابد. در دادگاه های بین المللی نورمبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا مرحله کسب اطلاعات و شروع به تحقیق و تعقیب یا عدم تعقیب متهم برعهده دادستان است. در این دادگاه، دادستان اطلاعات لازم را از طرق مختلف از جمله از طریق اصحاب دعوی اعم از زیان دیده از جرم و دارندگان حق، دولت ها، سازمان های بین المللی و سازمان های غیر دولتی و نیز اشخاص ثالث دریافت می نماید و نهایتا نظر می دهد که آیا تعقیب متهم ضروری است یا خیر. این امر معنای همان نظام قدیمی مناسب داشتن آغاز تعقیب کیفری است. (آشوری، ۱۳۸۰: ۸۷)

در واقع در دو دادگاه اخیر (یوگسلاوی و رواندا) دادستان به اقتضای اختیارات ناشی از مقام

خود یعنی بر اساس اطلاعاتی که از راه های گوناگون بدست می آورد، تحقیقات را آغا می نماید. (داوید، ۱۳۷۴: ۲۲۲) دادستان پس از ارزیابی اطلاعات بدست آمده، تصمیم می گیرد که آیا اطلاعات مزبور برای شروع به رسیدگی کفایت می کنند یا خیر. اختیار این که علیه چه کسی باید کیفرخواست تنظیم شود با دادستان دیوان می باشد. کیفرخواست دادستان به یکی از قضات شعبه بدوی تسلیم و توسط او مورد بازبینی قرار می گیرد. اگر قاضی مزبور موافق باشد که پرونده ای که دادستان تهیه و به او تقدیم نموده است، وقوع جنایتی را نشان می دهد ادعای او را تایید و گرنه رد می نماید. این حساسیت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی شکل تکامل یافته به خود گرفته است. در واقع با توجه به این که منصب دادستانی، منصبی است که هم جنبه قضایی و هم جنبه سیاسی دارد، یکی از نگرانی های اساسی که در مورد دادستان وجود دارد، احتمال داشتن انگیزه سیاسی در تعقیب هاست و این امر در محاکم کیفری بین المللی به دلیل ویژگی های صلاحیت موضوعی و وضعیت افراد تحت تعقیب بسیار جدی است. لذا اساسنامه دیوان کیفری بین المللی جهت جلوگیری از چنین امری، علاوه بر اندیشیدن تمهیداتی نظیر ممانعت از شرکت دادستان یا معاونان وی در هر فعالیت تعقیبی یا تحقیقی که دلایل معقولی مبنی بر تردید در بی طرفی آنها وجود دارد، حاوی مقرراتی است که پیگیری و جستجوی ادله دال بر بی گناهی متهم را نیز تکلیف دادستان دانسته و حتی امکان درخواست پژوهش و تجدیدنظر خواهی به نفع متهم را از سوی دادستان پیش بینی کرده است. دادستان در اعمال اختیارات خود، باید تعادل بین قربانیان و متهمین، اراده دولتها (در پیگیری) و فشارهای سازمان های غیردولتی برقرار کند. (جاکوبس^۱، ۲۰۰۷: ۳۱۷)

۳-۲. نحوه استقلال دادرسی و دادستان

در جریان مذاکرات رم، تحت تاثیر دیدگاه های مختلف که در خصوص اصل وجود یا عدم وجود یک دیوان مستقل وجود داشت، گروهی از کشورها «گروه هم فکر» به رهبری کانادا و نروژ از یک دیوان کیفری بین المللی قدرتمند و مستحکم حمایت می کردند و معتقد بودند که دیوان کیفری بین المللی باید از وجود یک دادستان کاملاً مستقل برخوردار باشد. (لاورا بارنت^۲، ۲۰۱۳: ۱۶) دادستانی که بتواند راساً و بنا به صلاحدید خویش و با استفاده از اطلاعاتی که از منابع مختلف موثق و از جمله سازمان های دولتی و غیر دولتی منطقه ای و بین المللی بدست می آورد، به منظور تعیین صحت یا سقم مراتب اعلامی، تحقیق را شروع و در صورت ملاحظه وقوع جرمی که در محدوده صلاحیت دیوان بوده و رسیدگی به آن از اهمیت لازم برخوردار باشد، مهمترین را تعقیب نموده و عندالاقضاء، موجبات محاکمه و مجازات متهمان را در شعب دیوان فراهم سازد. بدون

۱. Jacob

۲. Laura Barnett

اینکه در انجام امور فوق نیازی به کسب مجوز از یک نهاد (مثل شورای امنیت) و یا مرجع دیگری (مانند دول عضو اساسنامه) داشته و یا منتظر ارجاع موارد تعقیب و تحقیق از جانب آنها باشد. (اجتهادی، ۱۳۷۹: ۲۷۵) گروه دوم متشکل از اعضای دائم سازمان ملل یا «P-۵» به استثنای انگلیس بودند. این گروه به دنبال نقش مهم‌تری برای شورای امنیت در تاسیس و عملکرد دیوان بودند. که طبق متن پیش نویس اولیه اساسنامه، هر گونه تعقیب و تحقیق در خصوص جنایات بین المللی، رامو کول به ارجاع شورای امنیت و نظر مساعد کشورهای عضو می نمود. به نظر می رسید اگر طرح شکایت و یا اعلام وضعیت جهت شروع تحقیق و تعقیب از سوی دولت‌ها و یا شورای امنیت نباشد، بعید است بتوان حمایت مراجع مزبور را در جریان تکمیل تحقیقات و همچنین اجرای احکام جلب نمود، بدیهی است در چنین صورتی انجام امور در مرحله تکمیل پرونده‌ها و نیز اجرای احکام صادره با اشکالات عدیده عملی مواجه خواهد شد. گروه سوم کشورهای غیر همسو در تقابل با اصرار P-۵ مبنی بر عدم قید سلاح هسته‌ای از اساسنامه دیوان تشکیل گردید. این گروه شامل کشورهایی مانند هند و مکزیک و مصر بود با این حال موضع این گروه در رابطه با استقلال و قدرت دیوان کیفری بین المللی مشابه موضع P5 بود. طرح نظریات متعدد نهایتاً مجربه تصویب ماده ۱۶ اساسنامه رم گردید که ماده مزبور تعویق تحقیقات یا پیگرد قانونی را برای مدت یک سال بر حسب درخواست شورای امنیت مهیامی سازد. این قدرت تعویق در اصل در اساسنامه رم برای نگرانی‌های گروه P-۵ و اجازه دادن به شورای امنیت برای به تعویق انداختن فعالیت‌های دیوان کیفری بین المللی درجایی که ممکن است، مانع از روند صلح شود قرار گرفت. قدرت تعویق قابل تمدید است و از نظرتوری می تواند منجر به تعویق نامحدود مراحل ICC شود که باگذشت زمان این امر می تواند احتمال محکومیت را کمتر نماید. برخی از ناظران ابراز نگرانی کرده اند که قدرت تعویق می تواند استقلال دادستان را از بین ببرد و به کشورهای P-۵ اجازه دهد تا از تحقیقات در مورد اتباع خویش جلوگیری نمایند. (لاورا بارتن^۱، ۲۰۱۳: ۱۲) همچنین در خصوص اعمال صلاحیت و تعقیب جرائم ماده ۱۳ تا ۱۵ اساسنامه دیوان، اعمال صلاحیت دیوان را منوط به ارجاع یک دولت عضو یا ارجاع توسط شورای امنیت مطابق فصل هفتم منشور ملل متحد و یا راسا و ابتکار شخص دادستان براساس اطلاعاتی که به دست آورده است نمود. پیرامون وضعیت‌های ارجاعی در حال بررسی توسط شورای امنیت می توان به وضعیت‌های دارفور سودان^۲ و لیبی^۳ و در خصوص وضعیت‌های ارجاعی توسط دول عضویه وضعیت‌های جمهوری دموکراتیک کنگو^۴،

2. Laura Barnett

2. Darfur, Sudan

3. Libya

4. Democratic Republic Of the Congo

اوگاندا^۱، جمهوری آفریقای مرکزی^۲ و مالی^۳ و نیز وضعیت های در حال بررسی به ابتکار شخص دادستان به جورجیا^۴، بوروندی^۵ و میانمار^۶ اشاره نمود. نهایتاً این دادستان است که باید پس از بررسی ادله و شواهد ارائه شده، تصمیم بر تعقیب و شروع به تحقیق بگیرد. در مورد استقلال دفتر دادستانی نیز می توان به امتناع مرجع مزبور از تعقیب پیرامون موارد ارجاعی توسط دولت های عضو یا شورا امنیت در صورت عدم وجود مبنای معقول برای گزارشهای اعلامی اشاره نمود، در چنین حالتی مرجع اعلام گزارش می تواند فقط می تواند از شعبه مقدماتی بخواهد تا در خصوص تصمیم اتخاذی دادستان تجدیدنظر نماید. با توجه به تعداد بالای مراجعات به دیوان کیفری بین المللی، استراتژی متمرکز تعیین معیارهای وضعیت و انتخاب پرونده و اولویت بندی آنها، بایستی از اولویت های دادستان باشد، تا کنون این دفتر چارچوب استراتژیکی را تدوین نموده است، که با چهار اصل اساسی هدایت می شود: ۱. تحقیقات متمرکز (تمرکز بر جدی ترین جنایات و کسانی که بیشترین مسولیت را دارند) ۲. مکمل مثبت (رویکرد تکمیل مثبت با تمرکز بر همکاری با حوزه های قضایی ملی و ارتقاء ظرفیت خود برای پیگرد قانونی) ۳. تاثیر کار دادستانی یا به حداکثر رساندن تاثیر (ایجاد یک استراتژی منسجم در ICC با نظارت بر اوضاع در این راستا دادستان در تلاش است تا از وقوع جرائم آتی جلوگیری نماید) ۴. منافع قربانیان (کای^۷، ۲۰۱۳: ۴۳)

اساسنامه می گوید که دادستان می تواند به دلیل فقدان مبنای واقعی یا قانونی برای بازداشت یا احضار یا به دلیل اینکه پرونده به موجب ماده ۱۷ غیر قابل پذیرش است و یا به دلیل اینکه رسیدگی به موضوع به لحاظ تمامی جوانب امر از جمله اهمیت جرم ارتكابی و منافع قربانی و سن و ناتوانی متهم و نقش او در ارتكاب جرم ادعایی در راستای عدالت نیست به این نتیجه برسد که دلایل کافی برای ادامه تحقیق وجود ندارد.

۳-۳. نحوه شروع به تعقیب توسط دادستان

به هنگام تدوین مواد آیین دادرسی و ادله که ناظر به بخش پنج اساسنامه (مرحله تعقیب و تحقیق) است، مذاکرات زیادی بر مبنای پیشنهادهای ارائه شده از سوی فرانسه و استرالیا صورت پذیرفت. این پیشنهادها، ضمن آنکه از لحاظ ساختاری با هم متفاوت بودند، در مورد اینکه چه چیزی محتوای قواعد را تشکیل بدهد، نیز با یکدیگر تفاوت داشتند. در حالی که متن پیشنهادی استرالیا اساساً بر موضوعاتی که اساسنامه به عنوان موضوعات اصلی در نظر گرفته بود متمرکز بود.

1. Uganda

2. Central African Republic

3. Mali

4. Georgia

5. Burundi

6. Myanmar

10. Kai

پیشنهادهای فرانسه با هدف ایجاد یک نظام دادرسی کامل برای مرحله پیش از محاکمه ارائه شده بود. (فریمان^۱، ۲۰۰۱: ۴۳۹)

طبق ماده ۱۵ اساسنامه، دادستان می تواند راسا بر اساس اطلاعاتی که در مورد جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست می آورد تحقیقات خود را آغاز کند. با توجه به مقررات اساسنامه (از جمله ماده ۵۳) ملاحظه می شود که دادستان موظف است پس از بررسی و ارزیابی اطلاعاتی که در دسترس وی قرار می گیرد شروع به تحقیق اولیه نماید، مگر اینکه تشخیص دهد که مطابق اساسنامه دلایل قانع کننده برای اقدام وجود ندارد. (بند سوم ماده ۱۵) اساسنامه مقرر می دارد که اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدل و معقولی برای پرداختن به تحقیق وجود دارد باید درخواستی را به ضمیمه تمامی اسناد و مدارک تایید کننده که جمع آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم نماید. بنابراین می بایستی اطلاعات موجود مبنای معقولی را برای ادامه تحقیقات که اساسنامه دیوان ارثه می دهد برای دادستان بوجود آورده که در این راستا مبادرت به ادامه تحقیقات و اخذ مجوز از شعبه مقدماتی نماید. در این خصوص می توان به تصمیم دادستان دیوان در مورخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸ اشاره نمود که دادستان پس از بررسی اطلاعات موجود به این نتیجه رسید که مبنای معقولی که اساسنامه دیوان ارائه می دهد برای وی بوجود نیآورده تا اقدامات بیان شده در گابن^۲، در رابطه با خشونت پس از انتخابات سال ۲۰۱۶ که توسط اعضای مخالف و نیروهای امنیتی گابن صورت پذیرفته است را مبنای اعتقاد بر جنایات تحریک به نسل کشی در طول انتخابات محسوب نماید، لذا تصمیم به توقف تحقیقات مقدماتی نمود. همچنین می توان به تحقیقات مقدماتی در حوادث اول ژانویه ۲۰۰۲ در کشور ونزوئلا پیرامون ادعای جنایت علیه بشریت علیه مخالفان سیاسی دولت و نیز کشتی های ثبت شده کومور^۳، یونان و کامبوج در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷ اشاره نمود که دادستان به لحاظ عدم وجود مبنای معقول جهت ادامه تحقیقات تصمیم به توقف تحقیقات نمود.

تردید نیست که مقررات آیین دادرسی و ادله نباید با مقررات اساسنامه مغایرت داشته باشد. معهدنا برخی موضوعات اصلا در اساسنامه نیامده اند و در مورد برخی موضوعات دیگر نیز اساسنامه اجازه تفاسیر متعدد می دهد. این فقدان شفافیت بویژه در رابطه بین مقررات بخش ۵ و مقررات دیگر بخش های اساسنامه وجود دارد. لذا تعدادی از مقررات آیین دادرسی و ادله از جمله مواد ۴۸ و ۱۰۴ به بعد در صدد ارتباط بین بخش دو (مکانیسم های ماشه) و بخش پنج

۱. friman

۲. Gabon

۳. Comoros

اساسنامه (مقررات دادرسی در خصوص ابتکار تحقیق و تعقیب) بوده‌اند. (فریمان^۱، ۲۰۰۱: ۴۳۹)

نتیجه گیری

دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان حلقه مفقوده در سیستم حقوق بین‌الملل خوانده می‌شد که بدون داشتن آن رسیدگی به مسولیت‌های فردی ناقضین شدیدترین اقدامات و جنایات علیه بشریت بدون مجازات باقی می‌ماند. براین مبنای دیوان کیفری بین‌المللی برای محاکمه رهبران سیاسی متهم به ارتکاب شدیدترین جنایات بین‌المللی و نیز جلوگیری از مصون ماندن نامبردگان از جرائم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی ایجاد گردید. چرا که یکی از اهداف اصلی سازمان ملل تامین احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد در سرتاسر جهان می‌باشد. هر چند در خصوص صلاحیت دیوان ادعا می‌گردد که واجد صلاحیت جهانی می‌باشد اما در عمل چنین صلاحیتی محدود می‌باشد چرا که اساسنامه دیوان هنوز توسط همه کشورها مورد پذیرش واقع نگردیده و ابرقدرت‌هایی مانند ایالت متحده آمریکا، چین و روسیه همچنان به این مرجع با دید شک و تردید می‌نگرند. شروع به کار دیوان از زمان ارجاع قضیه ای توسط شورای امنیت یا یکی از کشورهای عضو یا ابتکار شخص دادستان بر اساس اخبار و اطلاعات واصله آغاز می‌گردد. در دیوان کیفری بین‌المللی، ما با سیستم دادرسی بدون بازپرس مواجه هستیم. در واقع دادستان دیوان ضمن شان تعقیبی توامان دارای شان تحقیقی نیز می‌باشد. بر این اساس تحقیقات مقدماتی نیز توسط دادستان دیوان صورت می‌پذیرد. دادستان پس از ارزیابی مقدماتی نتیجه‌گیری می‌نماید که جرائم مورد ادعا از شدت کافی جهت رسیدگی در دیوان برخوردار می‌باشد یا خیر. دادستان پس از اقناع از اینکه جرائم ارتكابی از شدت کافی برخوردار می‌باشد، نسبت به بررسی موضوع و جمع‌آوری دلایل و شواهد اقدام می‌نماید. با این وصف که هرگونه حکم دستگیری یا احضاریه بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط دادستان، بایستی به تائید شعبه مقدماتی برسد و این شعبه مقدماتی است که تصمیم می‌گیرد که پرونده واجد شرایط رسیدگی در دیوان می‌باشد یا خیر و یا اینکه در پرونده دلایل قانع‌کننده‌ای جهت صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به شعبه بدوی وجود دارد یا خیر.

معهداً تصمیم‌نهایی در این خصوص با دادستان است که خود تحت نظارت و هدایت شعبه مقدماتی دیوان فعالیت می‌کند و این نهاد، عملکرد دادستان را در این خصوص کنترل قضایی می‌نماید. در واقع شعبه مقدماتی تا حد زیادی اثربخشی و استقلال دادستان را تعیین می‌کند. نقش دادستان دیوان را می‌توانیم به مثابه نقش ضابطین دادگستری در سیستم‌های دارای بازپرس من جمله ایران قلمداد نمود، چرا که در انجام هرگونه اقدام بایستی نظر شعبه مقدماتی را جلب نماید.

از محاسن چنین نظارتی می توان به جلوگیری از اقدامات خود سرانه دادستان و رعایت حقوق دفاعی متهم اشاره نمود. ضمن آنکه پس از انجام تحقیقات و کافی بودن دلایل دال بر انتساب بزه به شخص متهم، مجددا شعبه مقدماتی به عنوان مرجعی بی طرف نسبت به ارسال یا عدم ارسال پرونده به شعبه بدوی جهت رسیدگی اتخاذ تصمیم می نماید. مضافا اینکه پس از تأیید اتهامات، مجددا پرونده ها توسط دادگاه بدوی رسیدگی می گردد. در این مرحله اصل بر برائت بوده و متهم بی گناه تلقی می گردد و این حق برای متهم پیش بینی شده که ضمن دفاع از خود نسبت به انتخاب و کیل نیز اقدام نماید. برای صدور حکم محکومیت توسط شعبه بدوی، دادستان می بایستی قضات شعبه بدوی را فراتر از یک تردید منطقی متقاعد سازد که اتهام متوجه شخص متهم می باشد. در صورت صدور رای محکومیت این حق برای شخص متهم و دادستان پیش بینی گردیده تا نسبت به رای محکومیت صادره تجدیدنظرخواهی نمایند. که این تجدید نظرخواهی دارای اثر تعلیقی و انتقالی می باشد. ضمن آنکه رسیدگی در شعب تجدید نظر دیوان عدولتی نبوده چرا که شعبه رسیدگی کننده مبادرت به رسیدگی و اتخاذ تصمیم می نماید. در نهایت شعبه استیناف این اختیار را دارد که انواع مختلفی از تصمیمات صادره در شعب بدوی اعم از جبران خسارت و یا احکام محکومیت را نقض نماید. به نظر می رسد این شیوه تعقیب در اساسنامه دیوان و آئین دادرسی و ادله آن درصدد ایجاد هماهنگی و کم کردن اختلافات بین کشورهای مختلف طرفدار نظام های گوناگون حقوقی در خصوص انواع شیوه های تعقیب و تحقیق کیفری بوده است و به همین لحاظ نیز می تواند الگوی مناسبی برای نظام های حقوقی ملی باشد و در آینده می تواند نقشی موثر در یکنواخت کردن شیوه های تعقیب و تحقیق در کشورهای مختلف ایفا نماید. محاکمه در دیوان هر چند نقطه عطفی در جامعه جهانی است اما انتقاداتی نیز بر عملکرد دیوان مطرح گردیده است، برخی معتقدند دادگاه اختیاراتش محدود و ناکافی و نیز ناکارآمد در دور نمودن جنایتکاران می باشد. برخی نیز بر این باورند که دیوان قدرت دادرسی بیش از حد را دارد که حاکمیت دولت ها را تهدید می نماید. برخی نیز در مورد صلاحیت قضات بحث هایی را مطرح نمودند، درعین حال برخی دیگر نیز نگران هستند که چشم انداز عدالت بین المللی با منع کردن جنایتکاران از تسلیم شدن، درگیری ها را طولانی تر نماید.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- اجتهادی عباس (۱۳۷۹). **دادسرای دیوان کیفری بین الملل و نقش دادستان دیوان**، مندرج در کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی، به اهتمام اسحاق آل حبیب، وزارت امور خارجه، چ ۱.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). **قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش**، عدالت کیفری، گنج دانش، چ اول.
- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۷). **نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان بین المللی کیفری**، مجله حقوق بین الملل، (۳۹).
- بازوند، سیف الدین (۱۳۹۶). **بررسی بی پروایی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی**، تهران، انتشارات فکر سازان، چ اول.
- خزائی، منوچهر (۱۳۶۵). **سیستم قانونی بودن و سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری**، مجله تحقیقات حقوقی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (۲)۲.
- داوید، اریک (۱۳۷۴). **دادگاه بین المللی کیفری برای یوگوسلاوی سابق**، ترجمه مصطفی رحیمی، مجله حقوقی، (۱۳ و ۱۸) ۱۹.
- شبت، ویلیام (۱۳۸۴). **مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی**، ترجمه باقر میرعباسی، تهران، انتشارات جنگل، چ ۱.
- صابر، محمود (۱۳۸۸). **آئین تعقیب جنایات در دادسرای دیوان کیفری بین المللی**، فصلنامه حقوق، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۲)۳۹.
- طهماسبی (۱۳۹۱). **بررسی تطبیقی بازداشت موقت در مقررات و رویه دادگاههای کیفری بین المللی با اسناد حقوق بشر و حقوق داخلی**، مطالعات حقوق تطبیقی، (۲)۳.
- میرعباسی، سیدباقر، میرعباسی، مرتضی (۱۳۹۵). **بایسته های دیوان کیفری بین المللی در تئوری و عمل**، تهران، انتشارات خرسندی، چ دوم.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۵). **دادگاه کیفری بین المللی**، تهران، انتشارات دادگستر، چ ۹.

References:

- Ambos,K., stegmiller,L(2013) **Prosecuting International Crimes at the International Criminal Court:is There acoherent and Comprehensive Prosecution strategg?**,Crime,Law and Social change59.
- Anna,Olsson(2003) **The principle of complementarity of the international criminal court and the principle of universal jurisdiction**,international criminal law.
- Barnetto, Laura(2013)**The International Criminal Court :History and Role**,Library of Parliament,ottawa.canada
- Edwards, George (2001) **International human rights law challenges to the New International criminal court: the search and seizure right to privacy**, Yale Journal of international law, vol 26

- friman, Hakan ; (2001), **INVESTIGATION AND PROSECUTION**; at: The international Criminal Court
- Jacobs,Dov (2007) **A Samson at the international criminal court:the powers of the prosecutor in the Pre-trial Phase**,The law&Practice of international Courts and Tribunal,vol6.
- Mirgalia, Michela (2006) **The First Decision of the ICC Pre-Trial Chamber**, Journal of International Criminal Justice, volume 4.